



این کتابچه برای معرفی اسلام نوشته شده است.

نویسنده: دکتر محمد بن ابراهیم الحمد

ترجمه: واحد ترجمه و تالیف مرکز فرهنگی رسول رأفت



من مسلمانم، یعنی دین من اسلام است. اسلام، کلمه‌ای باشکوه و مقدس است که انبیا - علیهم السلام - از ابتدا تا انتها آن را از یکدیگر به ارث برده‌اند و این کلمه، دربرگیرنده‌ی معانی والا و ارزش‌های بزرگی است، زیرا این کلمه به معنای تسلیم شدن، اطاعت و فرمانبرداری از خالق و به معنای ایجاد سلامتی، صلح، سعادت و خوشبختی، امنیت و آرامش برای فرد و جامعه است.

به همین علت دو کلمه‌ی سلام و اسلام از بیشترین کلماتی هستند که در شریعت اسلام وارد شده‌اند، چرا که سلام نامی از نام‌های الله، و درود و تحیت مسلمانان میان یکدیگر در هنگام سلام گفتن و تحیت اهل بهشت است.

مسلمان واقعی کسی است که مسلمانان از دست و زبان او در امان باشند؛ بنابراین اسلام دین خیر و خوبی برای همه مردم است؛ چون همه را در بر می‌گیرد و راه سعادت و خوشبختی آنها در دنیا و آخرت است.

به همین سبب پایان دهنده‌ی همه‌ی ادیان، فراگیر، گسترده، واضح و راه گشا برای هر شخص آمده و هیچ نژادی را بردیگری، و هیچ رنگی را بررنگی دیگر ترجیح نمی‌دهد، بلکه برای همه نگاهی یکسان دارد.

لذا برتری هر فرد در دین اسلام بر اساس میزان تمسک وی به تعالیم آن است. بدین جهت همه‌ی فطرت‌های سالم، اسلام

را می پذیرند؛ چون اسلام موافق فطرت است. لذا هر انسان بر فطرت خیر، عدالت، آزادی، دوستدار پروردگار و معترف به این که فقط او معبود و سزاوار بندگی است و بس، به دنیا می آید. و هیچ کس از این فطرت و سرشت منحرف نمی شود مگر این که بازدارنده ای او را از این مسیر منحرف نماید. و این دین را آفریدگار انسان و پروردگار و معبودشان برای آنها پسندیده است.

دین اسلام به من می آموزد که در این دنیا زندگی کرده و پس از مرگم، به منزلی دیگر نقل مکان خواهم کرد و آن منزل، سرای ماندگاری است که عاقبت و پایان انسان ها در آن یا به سوی بهشت و یا به سوی دوزخ خواهد بود.

دینم مرا به اوامری امر کرده و از منهیاتی نهی می کند. لذا هرگاه اوامر آن را انجام دهم و از منهیات آن اجتناب ورزم در دنیا و آخرت رستگار خواهم شد.

و اگر چنانچه در آنها دچار غفلت و سهل انگاری شوم به اندازه غفلت و سهل انگاری خود در دنیا و آخرت دچار شقاوت و بدبختی می شوم.

بزرگترین دستور اسلام که مرا بدان امر فرموده، توحید خداوند متعال است؛ بنابراین من گواهی می دهم و اعتقادی راسخ دارم به این که الله خالق و معبود من است و به خاطر محبتم با الله و ترسم از گرفت او و امیدم به ثواب و توکلم براو، جز الله کسی

را نمی پرستم. و همین است مفهوم توحید که در گواهی دادن برای الله به یگانگی، و برای پیامبرش محمد - صلی الله علیه وسلم - به رسالت، نمود پیدا می کند.

بنابراین، محمد خاتم پیامبران است و خداوند او را رحمتی برای جهانیان فرستاده

و به وسیله او نبوت و رسالت ها را پایان داد؛ پس بعد از او پیامبری نخواهد آمد و محمد دینی فراگیر و مناسب برای هر زمان و مکان و برای هر ملتی آورد.

دینم مرا قاطعانه دستور می دهد که به ملائکه، و همه پیامبران و در رأس آنها نوح، ابراهیم، موسی، عیسی و محمد - علیهم السلام - ایمان بیاورم.

دینم به من امر می کند که به کتاب های آسمانی که بر پیامبران نازل شده اند ایمان بیاورم و از آخرین و با عظمت ترین آنها، یعنی (قرآن کریم) پیروی کنم.

دینم مرا امر می کند که به روز آخرت که در آن مردم در قبال اعمالشان جزا و پاداش داده می شوند، ایمان بیاورم.

دینم به من دستور می دهد تا به قضا و قدر، و راضی شدن در برابر خیر و شری که در این دنیا نصیبم می گردد، ایمان داشته و در عین حال در بکارگیری اسباب نجات سعی و تلاش نمایم.

ایمان به قدر، مرا به آرامش، اطمینان، صبر و حسرت نخوردن در برابر آنچه از دست می دهم، می رساند؛ زیرا من به

طور یقین می‌دانم آنچه به من رسیده امکان خطا رفتنش از من نبوده و آنچه به من نرسیده امکان رسیدنش به من وجود نداشته است؛ چون هر چیزی از جانب الله مقدر بوده و من اختیاری جز بکارگیری اسباب و راضی شدن نسبت به آنچه که بعد از آن برایم پیش آمده است، ندارم.

اسلام مرا امر می‌کند تا به انجام اعمال صالحی بپردازم که روح مرا تزکیه می‌کند و اخلاق والایی که پروردگارم را راضی می‌نماید و نفس مرا پاک، قلبم را خشنود، سینه‌ام را گشاده و راهم را روشن نموده و مرا عضوی نافع در مجتمع می‌گرداند.

بزرگترین همه‌ی این اعمال عبارتند از: توحید الله، برپا داشتن نمازهای پنجگانه در شبانه روز، پرداخت زکات، روزه‌ی ماه رمضان و حج بیت الله الحرام برای کسی که توانایی رفتن به آنجا را داشته باشد.

یکی از این اعمال بزرگ که دینم مرا بدانها رهنمون شده و سبب گشایش سینه‌ام می‌شود، قرائت قرآن است، همان کلام الله، راست‌ترین، زیباترین، بزرگترین و باعظمت‌ترین کتابی که علوم اولین و آخرین را دربردارد؛

خواندن یا شنیدن آن آرامش، راحتی و سعادت را در قلب داخل می‌کند هر چند خواننده یا شنونده زبان عربی را به خوبی بلد نباشد یا غیرمسلمان باشد.

یکی دیگر از این اعمال بزرگ که سینه را گشاده می‌سازد،

کثرت دعا به بارگاه الله و پناه آوردن به او و مسئلت نمودن هر چیز بزرگ و کوچک از اوست؛

چرا که الله اجابت می نماید کسی را که از او بخواهد و عبادت را خالصانه برای او انجام دهد.

یکی دیگر از بزرگترین اعمالی که سینه را گشاده می سازد، کثرت ذکر الله عزوجل است.

البته پیامبر- صلی الله علیه وسلم- مرا به چگونگی ذکر الله راهنمایی ساخته و بهترین اذکاری که الله متعال با آن یاد کرده می شود را به من آموخته است.

از آن جمله: چهار کلمه ای که افضل ترین کلمات بعد از قرآن هستند و آن کلمات عبارتند از: (سبحان الله والحمد لله ولا اله الا الله والله اکبر).

همچنین (أستغفر الله ولا حول ولا قوة الا بالله).

این کلمات تاثیر عجیبی در گشاده شدن سینه، نزول سکینه و آرامش قلب دارند.

اسلام مرا امر می کند به این که قدر و منزلتم را بالا ببرم و از اموری که انسانیت و کرامتم را پایین می آورد، بدور باشم و عقل و جوارحم را برای آنچه که بخاطرش خلق شده از عمل نافع در دین و دنیا بکار گیرم.

اسلام مرا به شفقت و دلسوزی، اخلاق نیکو، خوش رفتاری و نیکی به خلق در حد توانم با گفتار و کردار امر فرموده است.

بزرگترین مأموریت‌م در امر مخلوقات، حقوق والدین است؛ چون دینم مرا به نیکی در حق آنها، خیرخواهی نسبت به آنان، حریص بودن برای خوشبخت ساختن آنها و نفع‌رسانی به آنها خصوصاً در زمان کهن‌سالی امر می‌کند.

از این رو می‌بینی که پدر و مادر در جوامع اسلامی بلند مرتبه و دارای قدر و منزلت و محل تقدیر و احترام و خدمت از جانب فرزندان خویش هستند،

و هرگاه والدین به سن پیری می‌رسند یا به بیماری و رنجی دچار می‌شوند، نیکی فرزندان نسبت به آن دو افزایش می‌یابد. دینم به من آموخته است که کرامت زن را پاس دارم و به حقوق بالایش ارج نهم، چرا که زن در اسلام، خواهر مردان به شمار می‌رود و بهترین افراد کسانی هستند که نسبت به اهل و خانواده خود بهترین رفتار را دارند.

بنابراین، زن مسلمان در کودکی، حق شیرخواری و مراقبت و تربیت صحیح را دارد و در این برهه از عمرش، سردی چشم و ثمره قلب والدین و برادرانش است

و در بزرگ‌سالی دارای عزت و کرامت است، به طوری که ولی‌اش به خاطر او بر سر غیرت آمده و او را زیر بال‌های مراقبت خود می‌گیرد هیچ‌گاه راضی نمی‌شود که دستی با نیت بد و یا زبانی به قصد آزاررسانی به سوی او دراز شده و چشمی با هدف خیانت به او بنگرد.

و چون ازدواج کند، ازدواجش با کلام الهی و پیمان مستحکمش صورت می‌پذیرد.

و در خانه شوهر عزتمندترین همدم و مؤنس می‌گردد و بر شوهرش واجب است تا او را مورد اکرام قرار داده و در حق او خوشرفتار باشد و به او آزار نرساند.

و چون مادر شود، رفتار نیک با او قرین حقوق الله تعالی بوده و نافرمانی و بدی نسبت به وی مقرون با شرک و ورزیدن به الله و فساد در زمین است.

و اگر خواهر باشد پس فرد مسلمان امر شده است که نسبت به وی صله‌ی رحمی نموده، کرامتش را نگه دارد و نسبت به او غیرت داشته باشد.

و اگر خاله باشد، باز هم نیکی و صله‌ی رحمی در حق او، مانند نیکی و صله‌ی رحمی با مادر است.

و اگر مادر بزرگ یا مسن باشد، ارزش او نزد فرزندان، نوه‌ها و همه‌ی خویشاوندان افزوده می‌گردد؛ از این رو هیچ خواسته‌ای از او رد نشده و هیچ نظری از او فاقد اعتبار نمی‌گردد.

اگر از خویشاوندان دور باشد، باز هم اسلام برایش حق و حقوقی قائل شده است که مبادا آزار رسانده شود و با نگاه بد به او نگریسته نشود.

مسلمانان در جوامع اسلامی همچنان این حقوق را آن طور که باید، رعایت می‌کنند و این امر برای زن ارزش و اعتباری پدید



آورده است که نظیر آن در جوامع غیرمسلمان یافته نمی شود. ناگفته نماند که زن در اسلام حق مالکیت، اجاره، خرید و فروش و دیگر معاملات را دارد و می تواند به امرآموزش و تحصیل و کار تا آن گاه که با شئون دینی مخالف نباشد - پردازد. حتی برخی از علوم فرض عین هستند که ترک کننده آن اعم از مرد یا زن گناهکار می شود.

لذا زنان حقوقی مساوی مردان دارند، مگر حقوق و احکامی که مخصوص مردان، یا زنان باشند و برای هر کدام از آن دو سازگار باشد.

دینم مرا امر می کند تا نسبت به برادر، خواهر، عمو، عمه، دایی، خاله و همه خویشاوندانم محبت کنم و به من دستور می دهد تا به ادای حقوق همسر، فرزندان و همسایگان پردازم. دینم مرا به فراگیری علم امر می کند و به هر آنچه عقل، اخلاق و اندیشه ام را تعالی می بخشد تشویق می نماید.

دینم مرا به حیا، بردباری، سخاوت، شجاعت، حکمت، وقار، صبر، امانتداری، تواضع، پاکدامنی، پاکیزگی، وفا، خیرخواهی نسبت به مردم، تلاش برای کسب رزق، شفقت و همدردی با مساکین، عیادت بیماران، محقق ساختن وعده، گفتار نیک، استقبال کردن مردم با گشاده رویی و تلاش برای خوشبختی دیگران در حدّ توانم دستور می دهد.

و در مقابل مرا از جهالت برحذر داشته و از کفر، بی دینی،

نافرمانی، عمل فاحشه، زنا، انحراف و تک‌روی، خودبینی، حسد، کینه، بدگمانی، بدفالی، حزن و اندوه، دروغ، نومیدی، بخل، تنبلی، بزدلی، بیهودگی و بیکاری، خشم، سبک مغزی، حماقت، بدرفتاری نسبت به مردم، زیاد سخن بی‌فایده گفتن، فاش کردن راز مردم، خیانت، وعده خلافی، نافرمانی والدین، قطع روابط خویشاوندی، سهل‌انگاری نسبت به فرزندان و اذیت رساندن همسایگان و عموم خلق برحذر می‌دارد.

همچنین اسلام مرا از نوشیدن مسکرات، اشتغال به مواد مخدر، قمار بازی، دزدی، نیرنگ، فریب، ترساندن مردم، تجسس و دنبال کردن نوامیس منع می‌کند.

دین اسلام اموال را حفاظت می‌کند و این امر موجب گسترش امنیت و آرامش می‌گردد؛ به همین خاطر تشویق به حفظ امانت نموده، امانتداران را ستوده، به زندگی خوش و داخل شدن در بهشت وعده داده، دزدی را حرام قرار داده و انجام دهنده آن را به مجازات در دنیا و آخرت وعید نموده است.

دین اسلام جان‌ها را حفاظت می‌نماید، به همین جهت قتل ناحق، تعدی و تجاوز به دیگران را به هر نوعی حتی با زبان حرام قرار داده است.

حتی ایذا رساندن و تعدی به خود را نیز ناروا شمرده و به انسان اجازه نداده است تا عقل خود را مختل و تباه سازد، یا سلامتی‌اش را از بین ببرد و یا خودکشی کند.

دین من اسلام آزادی‌ها را تضمین نموده و مورد توجه قرار می‌دهد.

بنابراین انسان در قوانین اسلامی، در نوع تفکر، خرید و فروش، تجارت، سیر و سیاحت و نقل مکان، در لذت بردن از لذت‌های زندگی از قبیل انواع خوردنی‌ها، نوشیدنی‌ها، نوع پوشش، یا گوش دادن به امور گوش‌نواز - مادامی که مرتکب حرامی نشود و به ضرر خودش یا دیگران منجر نشود، آزاد است. دین من آزادی‌ها را مورد توجه قرار می‌دهد و اجازه نمی‌دهد کسی به دیگران تعدی نماید و یا به دنبال لذت‌های حرام برود، لذت‌هایی که مال، سعادت، خوشبختی و انسانیتش را از بین ببرد.

اگر به کسانی بنگرید که خود را برای هر چیزی آزاد نموده و به تمایلات نفسانی لبیک گفته‌اند، بدون این که به بازدارنده‌ای از قبیل دین یا عقل توجه نمایند، یقیناً متوجه خواهید شد که در پایین‌ترین درجات بدبختی و تنگنا زندگی می‌کنند و به زودی بعضی از آنها را خواهید دید که به خودکشی تمایل پیدا می‌کنند تا بدین صورت خود را از دلهره و نگرانی خلاص کنند.

دین من بهترین آداب را در خوردن، نوشیدن، خوابیدن و گفتگو با مردم به من می‌آموزد.

دین من گذشت و چشم پوشی در خرید و فروش و مطالبه حقوق را به من می‌آموزد.

دینم مرا مدارا کردن با مخالفان دینی می آموزد؛ تا به آنها ظلم و بدرفتاری نکنم، بلکه نسبت به آنها خوبی کرده و رسیدن خیر را برایشان آرزو نمایم.

تاریخ مسلمان گواه مسلمانان است که چگونه با مخالفان دینی مدارا نموده است، به طوری که امت های قبلی نمونه ی آن ندیده اند.

چرا که مسلمانان با ملل و ادیان گوناگون همزیستی مسالمت آمیز داشته و آنان در زیر حاکمیت مسلمانان زندگی کرده اند و مسلمانان با همه ی ملل به بهترین شکل ممکن تعامل نموده اند.

خلاصه اسلام مرا بهترین نوع آداب و تعامل نیکو و مکارم اخلاق آموخته تا بوسیله ی آن زندگی ام پاک و بی آلاش بماند و سرور و شادی ام محقق شود.

دین اسلام مرا از هر چیزی که زندگی ام را مکدر ساخته و به جامعه ی بشری، یا جان، عقل، مال و کرامت و یا آبرو ضرر وارد می کند منع کرده است.

لذا به هر اندازه به این آموزه ها تمسک بجویم، سعادت و خوشبختی ام را بیشتر محقق ساخته ام و به هر مقدار در این آموزه ها سهل انگاری و کوتاهی نمایم، به همان میزان از سعادت و خوشبختی ام کاسته می شود.

آنچه گذشت بدین معنا نیست که من معصوم و بی گناهم،

یا مرتکب اشتباه نشده و از من کوتاهی سرزد نمی‌شود، بلکه دینم طبیعت بشری، ضعف و سستی‌ام را در برخی اوقات در نظر می‌گیرد.

بنابراین از من خطا، کوتاهی و سهل‌انگاری صادر می‌شود؛ به همین خاطر برایم دروازه توبه و استغفار و بازگشت به سوی الله را گشوده است؛ چون توبه آثار کوتاهی‌ام را پاک گردانده، منزلت و جایگاهم را نزد پروردگارم بالا می‌برد.

مصدر همه‌ی تعالیم دین اسلامی از جمله عقیده، اخلاق، آداب و معاملات، قرآن کریم و سنت پاک محمدی است.

در پایان قاطعانه می‌گویم: اگر هر انسانی در هر جایی از جهان با دیده عدل و انصاف به حقیقت دین اسلام بنگرد جز به آغوش کشیدن آن راهی برایش نمی‌ماند، اما مصیبت این است که تبلیغات دروغین یا اعمال بعضی از افرادی که خود را به آن نسبت می‌دهند و بدان تمسک نمی‌جویند، دین اسلام را بدمنظر ساخته است.

و اگر کسی به حقیقتش آنگونه که هست یا به احوال اهل آن که واقعا به آن اهتمام ورزیده‌اند بنگرد، هرگز در پذیرفتن و داخل شدن در آن تردید نخواهد کرد.

و برایش روشن خواهد شد که اسلام به سعادت بشر و به وفور بخشیدن امنیت و آرامش و همگانی کردن عدل و احسان دعوت می‌دهد.

اما انحرافات برخی از کسانی که خود را به اسلام نسبت می‌دهند - اعم از این که تعداد آنها زیاد باشد یا کم - جایز نیست که در هیچ حالتی از دین به حساب آید یا به خاطر آن، اسلام مورد طعن و عیب قرار گیرد، بلکه دین اسلام از آن پاک است.

و عواقب انحراف به خود منحرفین باز می‌گردد؛ چرا که اسلام آنها را به این کار امر نکرده است؛ بلکه آنها را نهی فرموده و از منحرف شدن بازداشته است.

همچنین اقتضای عدالت آن است که به حال کسانی که حقیقتاً به اسلام عمل می‌کنند و به او امر و احکامش در حق خود و دیگران جامه‌ی عمل می‌پوشند، با دیده‌ی شکوه و اجلال نگریسته شوند؛ چون این کار دل‌ها را نسبت به این دین و اهل آن مملو از هیبت و وقار می‌گرداند.

پس اسلام هیچ چیز کوچک یا بزرگی از ارشاد و اصلاح را ترک نکرده مگر اینکه به آن تشویق نموده و هیچ عمل زشت و ناپسندی را ترک نکرده مگر اینکه از آن برحذر داشته و راه آن را مسدود کرده است.

بدین وسیله گرامی دارندگان شأن و منزلت و برپا دارندگان شعائر آن، سعادت‌مندترین مردم و در بالاترین طبقه ادب نفس و تربیت آن مطابق بهترین روش‌ها و فضایل اخلاقی قرار داشتند که دور و نزدیک و موافق و مخالف برایشان به این امر گواهی

می دهند.

اما مجرد نگاه کردن به حال مسلمانان سهل انگار نسبت به دینشان و منحرف شدگان از راه راست، در هیچ قسمتی از ترازوی عدل نمی گنجد، بلکه این خود نوعی ستم است.

در پایان این کتابچه، فراخوانی است برای هر غیر مسلمانی که برای شناخت اسلام و داخل شدن در آن تمایل نشان می دهد و هر کسی که اراده پیوستن به دین اسلام را دارد، فقط با اقرار به شهادت: « لا إله إلا الله محمد رسول الله = هیچ معبودی جز الله نیست و محمد صلی الله علیه وسلم فرستاده اوست » می تواند به این دین عظیم بپیوندد و از این دین مسائلی را بیاموزد که به وسیله آن، آنچه را که خداوند بر او واجب گردانده، انجام دهد.

و هر اندازه یادگیری و عملش بیشتر شود سعادت و خوشبختی اش افزایش یافته و جایگاهش نزد پروردگار بالاتر می رود.

من مسلمانم

